



دانشکده معماری و شهرسازی
رساله نهایی دوره کارشناسی ارشد
گروه پژوهشی بازسازی پس از سانحه

عنوان:

ارزیابی تامین مسکن دائم بم پس از زمین لرزه ی ۸۲

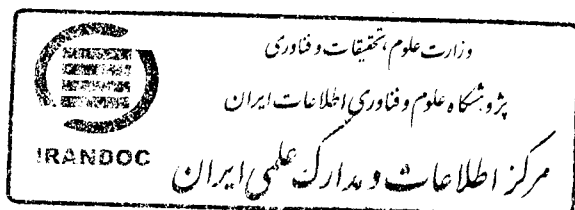
(مطالعه ی موردی: محله ی ارگ)

استاد راهنما: دکتر هادی ندیمی

استاد مشاور: دکتر اکبر زرگر

دانشجو: احسان انجیلی

شهریور ۱۳۸۹



۱۴۹۴۹۱

۱۳۸۹/۱۰/۱۹

ق

- قال رسول الله محمد بن عبدالله صلى الله عليه وآله وسلم: انا مدينة العلم والحكمة و علي باهما (١).
- قال اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام: من عرف نفسه فقد عرف ربه (٢).
- و قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: معرفة النفس انفع المعارف (٣).
- و كان في دعائه صلى الله عليه وآله وسلم: رب اربي الاشياء كما هي (٤).
- هر کس که تو را شناخت جان را چه کند* فرزند و عيال و خانمان را چه کند
ديوانه کنی هر دو جهانش بخشی* ديوانه ی تو هر دو جهان را چه کند

فحص الضمير في معرفة التعمير

ارزیابی تامین مسکن دائم بم پس از زمین لوزه ی ۸۲

(مطالعه ی موردی: محله ی ارگ)

فهرست اجمالی

۱۸.....	روش تحقیق.....	۱
۳۲.....	زلزله و بلایا.....	۲
۴۶.....	بازسازی و ابعاد آن.....	۳
۵۶.....	ارزیابی و معیارهای آن.....	۴
۷۳.....	الگوی پیشنهادی محله ارگ.....	۵
۸۶.....	ضمائم.....	۶

فهرست تفصیلی

فصل اول

۱۸.....	روش تحقیق.....	۱
۱۸.....	روش تبیین با استفاده از روش تحقیق معمول.....	1-1
۱۹.....	حرکت به سوی الله، در هر امر.....	1-2
۱۹.....	وحدت میان تحقیق، بازسازی، بلایا.....	۳-۱
۱۹.....	روش تحقیق حکمی.....	۴-۱
۲۰.....	شاهد ۱: روایت سوال صحابی در جنگ.....	۵-۱
۲۱.....	شاهد ۲: روایت پیرزن نخ ریس.....	۶-۱
۲۱.....	شاهد ۳: روایت چگونگی یافتن حق در هر حال.....	۷-۱
۲۲.....	ویژگی های روش تحقیق حکمی.....	۸-۱
۲۲.....	بعد عملی (یا موضوع).....	۱-۸-۱
۲۳.....	بعد نظری (یا خود).....	۲-۸-۱
۲۵.....	پیش آمدن سئوالات کلی.....	۳-۸-۱
۲۵.....	استخراج واقعیت مبهم از میان دو حقیقت روشن.....	۴-۸-۱
۲۵.....	از کمک گرفتن فلوجارت و دیاگرام، تا تبعیت آن.....	۵-۸-۱
۲۶.....	حضور نظام واحد علمی.....	۶-۸-۱
۲۸.....	روش تحقیق و طبع درونی.....	۷-۸-۱
۲۸.....	تطابق با اهداف انقلاب اسلامی.....	۸-۸-۱
۲۹.....	نگاه درونی.....	۹-۸-۱
۳۰.....	غایت این روش.....	۹-۱

فصل دوم

۳۲.....	زلزله و بلايا.....	۲
۳۲.....	معنای لغوی.....	۱-۲
۳۵.....	منشاء بلايا.....	۲-۲
۳۶.....	بلا انزالی است و نه ارسالی.....	۱-۲-۲
۳۷.....	علل غایی.....	۲-۲-۲
۳۸.....	وراثت نعمات و نقمات.....	۳-۲-۲
۳۸.....	مراتب علی.....	۴-۲-۲
۳۹.....	نمونه موردی.....	۵-۲-۲
۴۰.....	تشابه بیماری و بلايا.....	۶-۲-۲
۴۰.....	اثر بلايا.....	۳-۲
۴۰.....	اثر سلسله مراتبی.....	۱-۳-۲
۴۱.....	دیدگاه فلاسفه.....	۲-۳-۲
۴۲.....	دیدگاه محدثین.....	۳-۳-۲
۴۲.....	نظرگاه عرفانی.....	۴-۳-۲
۴۳.....	اثر غایی.....	۵-۳-۲
۴۴.....	سخن پایانی.....	۴-۲

فصل سوم

۴۶.....	بازسازی و ابعاد آن.....	۳
۴۶.....	در جستجوی کلیت.....	۱-۳
۴۶.....	تعریف واژگان.....	۱-۱-۳
۴۷.....	توالی علمی.....	۲-۱-۳
۴۷.....	امر جمعی و امر کلی.....	۳-۱-۳
۴۷.....	نگاه سلسله مراتبی.....	۴-۱-۳
۴۷.....	جایگاه فن بازسازی در معماری.....	۵-۱-۳
۴۸.....	جایگاه بازسازی پس از سوانح در فن بازسازی.....	۶-۱-۳
۴۹.....	نظام سنتی.....	۷-۱-۳
۵۱.....	بازسازی و طب.....	۲-۳
۵۱.....	بازسازی جامع.....	۳-۳
۵۱.....	الگوی کلی مطلوب.....	۴-۳

فصل چهارم

۵۶.....	ارزیابی و معیارهای آن	۴
۵۶.....	شیوه ی ارزیابی	4-1
۵۶.....	تناقض یک سویه.....	۱-۱-۴
۵۷.....	تناقض بنیادین.....	۲-۱-۴
۵۸.....	نقاط قوت کلی.....	۲-۴
۵۸.....	نقاط قوت جزئی.....	۳-۴
۵۸.....	استحکام اینیه.....	۱-۳-۴
۵۸.....	نظارت مناسب و مکرر.....	۲-۳-۴
۵۸.....	اجرای مطلوب.....	۳-۳-۴
۵۸.....	کیفیت مطلوب مصالح.....	۴-۳-۴
۵۹.....	نقدهای اساسی.....	۴-۴
۵۹.....	نقد حکیم بومی.....	۱-۴-۴
۵۹.....	مشارکت.....	۲-۴-۴
۶۰.....	مرجعیت و تخصص.....	۳-۴-۴
۶۱.....	مشق حیات.....	۴-۴-۴
۶۱.....	مدرنیزاسیون.....	۵-۴-۴
۶۲.....	زندگی بر طبیعت خویشتن.....	۶-۴-۴
۶۲.....	رشد تک بعدی (مقاوم سازی کالبدی).....	۷-۴-۴
۶۳.....	شاخص رضایتمندی.....	۸-۴-۴
۶۳.....	درمان علی.....	۹-۴-۴
۶۳.....	از تشبه به اله تا تشبه بقوم.....	۱۰-۴-۴
۶۴.....	جزء و کل.....	۱۱-۴-۴
۶۴.....	معماری بومی.....	۱۲-۴-۴
۶۵.....	احترام به طبیعت.....	۱۳-۴-۴
۶۶.....	تطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۴-۴-۴
۶۹.....	نقدهای جزئی.....	۵-۴
۶۹.....	تطابق اجراء با مصوبات.....	۱-۵-۴
۶۹.....	پایداری زیست محیطی.....	۲-۵-۴
۷۰.....	الگوهای کالبدی.....	۳-۵-۴
۷۰.....	عدم توجه به الگوهای کالبدی خارجی هم سو.....	۴-۵-۴
۷۱.....	جمع بندی.....	۶-۴

فصل پنجم

۷۳.....	الگوی پیشنهادی محله ارگ.....	۵
۷۳.....	ویژگی ها و موقعیت محله ی ارگ.....	۱-۵
۷۳.....	موقعیت محله ارگ.....	۱-۱-۵
۷۳.....	ویژگی های کلی محله.....	۲-۱-۵
۷۵.....	چشم انداز، سیاست ها و پیشنهادات.....	۲-۵
۷۵.....	ساختاراجتماعی مطلوب.....	5-2-1
۷۶.....	اهداف خرد.....	5-2-2
۸۰.....	الگوی بازسازی یک واحد همسایگی در محله ارگ.....	۳-۵
۸۰.....	اصول و مبانی طراحی واحد همسایگی.....	۱-۳-۵

فصل ششم

ضمائم.....	۸۶	۶
ضمیمه ۱: برنامه بازسازی مسکن مناطق آسیب دیده از زلزله شهرستان یم.....	۸۶	۱-۶
بخش اول : هدف و سیاستها.....	۸۶	۱-۱-۶
بخش دوم: برنامه بازسازی.....	۹۰	۲-۱-۶
بخش سوم : بودجه عملیاتی بازسازی مسکن مناطق زلزله زده.....	۹۲	۳-۱-۶
ضمیمه ۲: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۹۳	۲-۶
ضمیمه ۳: تمرینی بر الگوی پیشنهادی.....	۱۰۲	۳-۶
سه گزینه ی پیشنهادی.....	۱۰۲	6-3-1
گزینه ی منتخب (گزینه ۳).....	۱۰۶	۲-۳-۶
الگوهای کالبدی خانه ها.....	۱۱۳	۳-۳-۶
طرح دانه ها.....	۱۱۴	۴-۳-۶
طرح یکپارچه ی واحد همسایگی.....	۱۱۶	۵-۳-۶

چکیده فارسی

ارزیابی فرآیند اسکان دائم برای آسیب دیدگان شهر بم پس از زمین لرزه ی دی ماه ۱۳۸۲ نشان می دهد که اگر چه ساخت و سازها به استانداردهای بالاتری از نقطه نظر مقاوم سازی در برابر زمین لرزه دست پیدا کرده است اما به دلیل بینش سطحی نگر به بلایا و منشاء پیدایش آنها موجب شده تا مسئولین امر از شناخت اهداف اصلی طرح بازمانند. همچنین پرداختن به مسئله ی اسکان دائم به عنوان یک محصول و نه یک فرآیند پویا، و به کارگیری الگوهای بعضاً غیر بومی ناسازگار با منطقه تحت عنوان مشارکت مردمی موجب شده تا برنامه ی اسکان دائم در نهایت امر به همان اهداف تعیین شده توسط مسئولین امر نیز آن طور که شاید دست نیازد.

رساله ی حاضر در پی پژوهشی از درون باورهای جامعه ی بلادیده و ارائه راهکارهایی برای انجام بازسازی های پویا و پاسخگو براساس فرهنگ و اهداف کلی جامعه است. این راهکارها در سایه ی وحدت پژوهش گر با نظام باورها و غایات جامعه ی مقصد حاصل خواهد شد و به دلیل نسبی بودن این وحدت، تلاش دائم برای حرکت به سمت آن را می توان رسیدن به نتیجه ی مطلوب تلقی کرد. لذا روش تحقیق و ارزیابی کنونی می بایست از همان قوانینی تبعیت کند که بازسازی و مطالعه ی مورد نظر می بایست تبعیت کند چرا که بازسازی منطقاً می بایست با معیارهای خودش سنجیده شده نه با معیارهایی بیرونی و خارج از جهان بینی ساکنین منطقه ی منظور.

تعریف مساله

با توجه به پیچیدگی های آثار و خسارات ناشی از بلایا بر جوامع، طبعاً امر بازسازی پس از آن نیز دارای ابعاد گوناگونی خواهد بود، و از طرفی مسئله مسکن در کشور معضلی ملی است و این امر دقت بیشتر در مسئله ی تامین مسکن دائم پس از زلزله را لازم تر می نماید.

فرآیند تامین مسکن دائم شهر بم پس از زمین لرزه ی دی ماه ۱۳۸۲ با مشکلات، نارسایی ها و نارضایتی های فراوان، خصوصاً پس از بهره برداری مواجهه بوده است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) نبود برنامه ریزی دقیق و جامع پیش از سانحه برای تامین مسکن پس از وقوع فاجعه
- ۲) کمبود اطلاعات و مطالعات لازم و بعضاً نبود آن ها برای استفاده پس از وقوع فاجعه
- ۳) و فقدان اصول مدون و ضوابط مکتوب و مشخص تهیه شده در سایه ی مدیریت آگاه و متخصص ویژه ی سوانح و بلایا.

وجود عوامل یاد شده با افزوده شدن فشار مردم و رسانه ها (پس از وقوع)، به مقامات بالادست موجب انجام **تحقیقات سطحی** و استفاده از اطلاعات نامعتبر و شناور در حین بلایا، همچنین اتخاذ تصمیمات شتاب زده، که از جمله پیامد های آن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پناه بردن به الگوهای تقلیدی از کشورهای غربی توسعه یافته (عموماً الگوهای توسعه نگر نا هماهنگ با منطقه)
۲. در نظر نگرفتن نقش و جایگاه آسیب دیدگان در طرح، به عنوان استفاده کننده (مظروف این ظرف)
۳. عدم مشارکت شایسته ی آنان در امر بازسازی (خصوصاً مسکن)
۴. عدم توجه به ظرفیت های بالقوه ی منطقه و الگوهای سنتی موجود و کارآمد
۵. منفعل نمودن بیش از پیش آسیب دیدگان با گرفتن تدبیر اندیشی و ابتکار عمل از آنان
۶. و در نهایت، آسیب جدی به محیط های بومی و فرهنگی منطقه و همچنین محیط طبیعی (محیط زیست). رساله ی حاضر بر آنست تا به موارد یاد شده در برنامه ی اسکان دائم شهر بم - بویژه محله ی ارگ - پرداخته، و با ارزیابی آن به راهکارهایی جهت نیل به بازسازی های پاسخده و پویا باشد.

سوال تحقیق

۱. آیا نتایج بدست آمده سازگار با معماری قبلی، بوم و فرهنگ جامعه بوده است؟
۲. دلیل این ناسازگاری محتمل چه بوده است؟
۳. نحوه ی ارزیابی این ناسازگاری محتمل چه بوده است؟
۴. موفقیت یک بازسازی را چگونه می توان ارزیابی کرد؟
۵. روش تقرب به این ارزیابی چگونه است؟
۶. آیا علاوه بر روش تقرب می توان منشی برای آن نیز در نظر گرفت؟

فرضیه

به نظر می رسد اگرچه مطالعات جزئی در معماری بومی صورت پذیرفته اما نتایج آن در الگوی کلی بزرگتری که غیر بومی است لحاظ گشته است و همین ادغام فرع بومی در اصل غیر بومی (مبانی نظری و برنامه ریزی) موجب از دست رفتن همان اجزاء فرعی نیز گشته است و این فرض بررسی می شود که لازمه ی تحقق یک کل، لحاظ نمودن اجزای آن نیز هست. حال در صورتیکه اصول و کلیتی بومی بر مسئله ی بازسازی حاکم شود آن نیز اجزاء لازم خود را خواهد داشت. اصول و کلیات، ملموس و کالبدی نبوده و از حوزه ی اصول و مبانی تا تعاریف واژگان کلیدی یک فن و جهان بینی ادامه پیدا می کند و به طور خلاصه می توان موارد مفروض را به شرح زیر عنوان کرد:

۱. بینش سطحی نگر به بلایا و منشاء پیدایش آن
۲. پرداختن به مسئله ی اسکان دائم صرفاً به عنوان یک محصول
۳. به کارگیری الگوهای غیر بومی و ناسازگار با منطقه
۴. و بهره گیری از شیوه های مشارکت برخواسته از نظریات ناهمگون با مبانی اندیشه ای آن بوم موجب شده تا مسئولین امر از اهداف اصلی طرح و حتی شناخت آن ها بازمانند.

هدف رساله

- رساله ی حاضر در پی آنست تا نشان دهد:
- استفاده از راهکارهای برخواسته از منابع فکری اصیل بوم و منطقه یا منابع فکری هماهنگ با آن
 - نگرستن به مسئله ی تأمین اسکان دائم به عنوان فرآیندی پویا و دائمی
 - استفاده از الگوهای تعمیر کالبدی برخواسته از همان بوم می توانست مشکلات اساسی بازسازی مذکور را با پذیرش برخی مشکلات جزئی، برطرف سازد.
- اما به طور خلاصه و جامع، نگاه از درون جامعه با تمامی لوازم و اهداف آن جامعه می تواند به نتایجی از همان جنس منتهی شود.

مقدمه

امروزه بازسازی های انجام گرفته خصوصا در جوامع سنتی در حال توسعه مشکلات فراوانی ایجاد کرده است. از جمله ی آن می توان به پاسخگو نبودن به نیاز های جسمی، روحی و روانی، آثار منفی ثانویه بر کاربران، پس از بهره برداری اشاره کرد. علت چنین مشکلاتی را ضعف مطالعات، نبود امکانات مالی و فنی، و ضعف اجراء یا نظارت و ... عنوان کرده اند.

رساله ی حاضر علت ریشه ای تر را در تفاوت تعاریف کلمات، واژگان و مفاهیم بنیادین میان جامعه ی مذکور، و پژوهشگران و تصمیم گیران می داند که خود موجب زایش علل دیگر می شود. خصوصا آنکه جامعه ی کنونی بطور کلی از باورهای دینی برخوردار می باشد. لذا نگاه همسو به بلایا اولاً، و معماری ثانیاً، از سوی تصمیم گیران و برنامه ریزان امری است که موجب می شود برخورد با بلایا در قالب ساخت و ساز (خصوصاً مسکن)، همسوی با مواجهه ی بلا دیدگان با آن باشد و در نتیجه دیگر تصمیمات، برنامه ها و طرح ها براساس تصور جوامع شکل بگیرد.

قصد رساله آن نیست که هر چه گوید بی تردید صحیح باشد بلکه وارد شدن در این بحر را کوششی باشد زانکه انقطاع میان علوم الهی و علوم جدیدی تهی از معنویت^۱ را اگر بتواند آشکارتر کند نه آنکه نایل به این ترمیم شود؛ و به بهانه ی عنوان کنونی رساله -که فرع است از برای اصلی که این رساله به دنبال آنست- به تبیین اصل پرداخته شود. چراکه اساساً انقطاع مذکور پرشدنی نبوده و پر کردن آن نیز یک منظومه ی واحد و یکپارچه را منجر نخواهد شد. چراکه پر کردن این خلاء وحدت علمی را نتیجه نداده بلکه همانند اتصالی است که دو جسم را به یکدیگر عطف کند و این هرگز حکم یک منظومه ی واحد را نخواهد یافت بلکه وحدت علمی در سایه ی زایش دانش از مرتبه ی عالی به دانی حاصل و محقق خواهد گشت.

البته بیان همین خلاء و روشن کردن آن نیز خود توفیقی است که شایسته بود در طلیعه ی چهارمین دهه پس از انقلاب اسلامی ایران به رهبری نایب الامام خمینی رحمه الله علیه جامه ی کلام پوشیده و در عین داشتن برخی اشکالات، ناراستی ها و حتی تناقضاتی جزئی موجبات اصلاح و امتداد را برای دانشجویان و کاوشگران دانش، فراهم سازد که اگر این امر به این دست انجام نگیرد خداوند امر خویش به دست دیگری از بندگان محقق خواهد کرد و اینطور نباشد که با انصراف شخص امر الهی معطل بماند.

تصور بر آن بود که تحریر چنین مطلبی اگرچه بابی مغلق را نگشاید لااقل به آشکار کردن جوانب این فروبستگی و انسداد که هم اکنون علوم و فنون را در بر گرفته است کمک خواهد کرد تا خداوند دست دیگری را به این نوشته رسانده و غبار و زنگار آن از خطا و لغزش بشوید. اما تا چیزی نباشد، کماکان این گونه مسائل حتی موضوعیت بحث نیز به خود نمی گیرد تا چه رسد به گشایش و انفتاح جوانب آن.

مرا نیست بهره از ام العلوم
ور بگردم چین و افغان و روم^۲
آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید^۳

در روزگاری که علوم دانشگاهی از خلاء معنویت و علم کلی رنج برده و غایت این رنج آگاهی، مرگ و ویرانی پیکره ی این علوم باشد، پس راهی جز فراموشی آن نداشته و برای نیل به این نسیان ناچار است به سرعت

دویده و مجال ایستادن و اندیشیدن به خود ندهد. و این به اصطلاح علم را به صورت امدادی دست به دست داده و تا نهایت توان پیش می برند بدون آنکه این میدان را خط پایان روشنی باشد که او را به روشنایی سوق دهد.

ازسویی علوم سنتی سرشار از معنویت، خود زاییده ی معرفت کلی و جاری شده از منبع وحی می باشند که این موجب شور و نشاطی در آن شده که بی پا و سر، باز به دویدن بپردازد اما این کجا و آن کجا؟

دانه ی فلفل سیاه و خال مهرویان سیاه	هر دو جانسوز است اما این کجا و آن کجا
یکی دست و پا می زند به سوی سراب	یکی دست افشان و پاکوبان در آب
یکی فانی فرّو الی الله می شود	یکی مفری نمی یابد و در بدر میشود
شیر تیه و شیر باده هر دو شیر	یکی حمله ور دیگری سیرسیر
شیر تیه هر چه یابد می درد	شیر باده گر بماند می بُرد
کسی فهم دارد ازین ماجرا	که داند فرق لم یجری و ماجری
شدی درس نا خوانده از مدرسی	نه در بند عمامه و ملبسی
مدارس، ملابس، مکاتب، همه	گشته اوزان به دوش مفاعل همه
مفاعل، وسائل بود در این مرام	وسائل هدف گشت و فاعل نیام ^۴
هر که شد محرم دل در حرم یار بماند	وانکه این کار ندانست در انکار بماند ^۵

رساله ی حاضر بازسازی انجام شده پس از زمین لرزه ی بیم را دارای نارسایی هایی می داند که دلیل آن عدم شناخت صحیح نسبت به رویداد زمین لرزه بوده و کرارا این مسئله را با دلایلی که دارد یادآور می شود. و تا زمانی که این شناخت به سطح قابل قبولی از صحت نرسیده و نظرگاه خویش را به شایستگی تعیین نکند به انجام عکس العمل درخور نسبت به آن نخواهد رسید.

سابقه ی نگارنده

- (۱) ۱۶ ماه مطالعه ی و نگارش مکرر.
- (۲) سفرهای مکرر از دو روز پس از واقعه تا چهار سال پس از آن که شامل ۵ سفر هرکدام به طور متوسط ۵ شبانه روز.
- (۳) اقامت و کار یک هفته ای در یکی از دفاتر طراحی معماری سایت فنی مهندسی جهت آشنایی با روند کار و تهیه نقشه.
- (۴) همراهی روزانه در یکی از سفرها، با مهندسین ناظر در بم، بروات، اسفیکان و کرک.
- (۵) مصاحبه و تهیه گزارش از مردم منطقه در هر سفر خصوصا محله ی ارگ.
- (۶) مطالعه و استخراج طرح های خانه های سنتی و فنون و اصطلاحات آن در بم و به طور کلی استان کرمان.
- (۷) نگارش قریب به دوجین مقاله و انتشار پنج مقاله از آنها از سطح بین المللی تا دانشگاه.
- (۸) گذراندن دروس طراحی معماری پنج و مرمت و مبانی نظری معماری و طراحی بازسازی شهر که با رساله حاضر ۱۸ واحد درسی را شامل می شود و طرح معماری پنج و بازسازی شهر به طور اخص بر سایت محله ی ارگ انجام شده است.
- (۹) انجام برخی فنون سنتی منطقه و یادگیری آن نزد مردم بومی از جمله ریس بافی با پیش های تنه ی نخل و برخی گره های محلی.

⋮

روش مطالعه ی رساله

رساله ی حاضر با منشی ساده و اما پیچیده (در زمان کنونی) نگاشته شده است. بسیار ساده است از آن جهت که اصل را بر قالب فردی (ضمیر) موضوع و نگارنده نهاده است و قالب معمول ارائه ی رساله را اگر چه کنار نگذاشته اما در فرع قرار داده است. بسیار پیچیده است از آن جهت که خود هر فرد و هر موضوع به دلیل داشتن ویژگی های فرید و وحید، بسیار پیچیده می باشند و کشف و تبعیت از آن به غایت مشکل.

در نگاه اول فهرست رساله فصولی روشن دارد که در ابتدا به تبیین روش و منش تحقیق می پردازد و پس از توضیح کلیات موضوع -بلا و بازسازی- در دوفصل به بیان الگویی کلی از بازسازی مطلوب براساس دوفصل اول می پردازد. فصل ارزیابی بازسازی به سطوح شش گانه ای تقسیم شده بود اما نهایتا در دو بخش ارزیابی کلیات و جزئیات ارائه شده است. در پایان با معرفی کالبدی نمونه ی موردی، به ارائه ی یک الگوی نهایی طراحی شده (با سعی براساس تعاریفی که از تحقیق، بازسازی و بلا یا ارائه شده) می پردازد.

حال در کنار بیان ترتیبی و الگوریتمی مطالب، نگاه نگارنده به موضوع و خود، به هیچ وجه بدین ترتیب نبوده بلکه همانطور که مطالب را فهمیده است به بیان آن پرداخته است و نهایتا نظمی معمول در قالب فصول به آن داده است و چون روند فهم یک موضوع برای هر شخص از قواعد و عوامل بسیار پیچیده ای تبعیت می کند این پیچیدگی ها نیز در آن قطعا لحاظ شده است.

برای نمونه می توان بسیاری از نقدهایی را که به روش تحقیق قالب گرا گرفته شده است را به روش بازسازی انجام شده نیز وارد دانست. یا در ارزیابی ای که برای بازسازی بیان شده است، روش تحقیق و هدف تحقیق را روشن تر می سازد در حین آنکه مطلب جایگاه و ارزش خود را در همان نقطه داراست.

اگر چه یکبار خواندن آن، اما به دقت، گویاست اما خواندن دوباره ی آن می تواند بسیاری از جنبه های موجود در آن که قابل ذکر و شاید قابل تشخیص برای خود نگارنده هم نباشد را روشن تر نماید.

فصل اول

روش تحقیق

۱ روش تحقیق

پس از تامل، در باب روش تحقیق، این مطلب به نظر آمد که به جای آن که نقش یک محقق کمی نگر غربی ایفا شود که نهایتاً یک محقق درجه دو خواهد بود و از آنجا که نگارنده در مطالعات سنتی با محوریتی غیر کمی غوطه ور است نخواهد توانست همچون افراد هم رشته‌ی خود به آن بپردازد و نهایتاً تحقیقی درجه سه رقم خواهد خورد. با نگاهی به تجربیات گذشته در معماری سنتی، بازسازی‌های آنان را نیز مورد توجه قرار داده منظر آنان و دیدگاه اصیل از این نمونه بیرون آورده و درک شود و یا خود را به عبارتی از این فضای تجدد زده خارج نموده به آن عالم باورها بسپارد. آنچه نوشته شده فراتر از آنکه بخواهد روشی برای تحقیق ارائه نماید، ارائه‌ی منشی است که نهایتاً به روش‌هایی از تحقیق منجر خواهد شد که اعتبار خود را از آن منش می‌گیرند.

از سویی اتخاذ شیوه‌ای دیگر جهت تحقیق را نمی‌توان غیر ممکن پنداشت اگرچه قریب صد درصد تحقیقات امروزی در قالب روش تحقیق علمی Scientific Research Method ارائه می‌شود. البته با عنوان شدن این مطلب، به دلیل غلبه‌ی عددی این سنخ تحقیقات و عادات و نحوه‌ی اندیشیدن معمول، عموماً نزد اهل تحقیق به روش تحقیق غیر علمی و نتیجتاً روش تحقیق ضد علمی و در نهایت به روش تحقیق نادرست منتهی می‌شود. اهل این علم بر این ادعا هستند که «علم جدید یگانه علم و یا یگانه طریق شناخت است حال آنکه علم جدید در واقع یک علم و یا یک طریق شناخت است.» (نصر، ۱۳۸۶)

۱-۱ روش تبیین با استفاده از روش تحقیق معمول

روش تحقیق معمول، در رساله‌ی یک روش تبیین رساله است نه آنچه که به صورت روشمند رساله‌ی حاضر را ایجاد کرده است.

آن روش تحقیق معمول که دارای فرضیه، سوال تحقیق، روش نیل به نتیجه است نمی‌تواند روش تحقیق جامع نامیده شود، بلکه تمام روش تحقیق به معنای معمول آن تنها یک روش است، نه تنها روش دست‌یابی به نتیجه که البته جواب خود را در قالب مذکور خواهد داشت. البته می‌توان نهایتاً روش‌های گوناگون را هم نهایتاً اینطور بیان کرد که همه فرضیه‌ای داشته و سوال و روش دارند ولی به صورت غیر آشکار و تبیین نشده. پس نهایتاً می‌توان آن‌ها را نیز وارد این قالب کرد غافل از اینکه هر قالبی قابل نمی‌باشد. چراکه قالب همانطور که از واژه‌ی آن پیداست قلب‌کننده بوده اما ممکن است قبول‌کننده یا قابل برای بیان‌کننده مطلب هر تحقیقی نباشد. پس به روش‌های بسیار دیگری ممکن است نتایج حاصل گردد و نهایتاً به قالب روش تحقیق معمول که Research Methodology است درآید در آن صورت محقق راه یگانه و مخصوص خود را پیموده و به نتیجه تحقیق می‌رسد. اما بیان‌نهایی آن در روش تحقیق معمول اگرچه می‌تواند منظوری معقول را برساند اما حقیقت آنچه را که محقق یافته است را بیان نمی‌کند. بلکه تنها سایه‌ای بی‌جان از آن را به نمایش می‌گذارد. چراکه نتیجه یک تحقیق تنها پاسخ‌نهایی آن در قالب یک جمله نیست بلکه با تمام

مقتضیات آن از ابتدا تا انتها به عنوان یک موجود واحد معنا پیدا می کند و شاید نهایتاً با یک پاسخ براساس آشنایی خواننده نسبت به مواجهه ی تحقیق و ترتیب دریافت و روند دست یابی آن را هضم می کند.

۱-۲ حرکت به سوی الله، در هر امر

اگر کسی موضوعی برای تحقیق داشته باشد و هدف او تحقیق بما هو تحقیق (حق) باشد، رسیدن به نتیجه، خود در پی است. اگر هدف چیز دیگری باشد موضوع خود را پنهان و مستور خواهد کرد. مانند آهنربا که اگر دو قطب همنام نزدیک گردند از یکدیگر فراری شده اما به محض چرخش یکی هردو به هم خواهند گروید. حال اگر روی از موضوع و مشکل ظاهری برگردانیم و به سمت دیگری که حق است حرکت کنیم موضوع و مسئله به دنبال محقق خواهد آمد و همراه با هم به سمت هدف تحقیق حرکت خواهند نمود. البته نباید فراموش کرد که هدف محقق همواره حرکت به سمت حق است نه حل کردن مشکل. یکی از دلایل تناقض میان رسیدن افراد با دغدغه های دینی به غایات روزمره و اهداف زندگی و نتایج گوارا از سوئی، و تعالی و معنویت می تواند این باشد، والله اعلم. یعنی وجه و توجه آدمی می بایست که به سمت اله واحدی که همان الله است، باشد و اگر موضوع دیگری به انحاء گوناگون مورد توجه قرار گیرد خطاب آید که «إله مع الله؟»^۶ و این بار آن اله مجازی، با فرار از هم قطب خود او را به سمت سراب پیش خواهد برد و حرکتی شیطان پسند را رقم خواهد زد. این کشش و رانش در میان مخلوقات ظاهری تعبیر به ناز می شود. البته این نافی روش تحقیق معمول نیست، بلکه روشی دیگر است که به دلیل زنده (حی) و فعال بودن حق که موضوع اصلی تحقیق می باشد، و هم چنین به دلیل محیط بودن او(حق) که احاطه ی بر محقق خود دارد، روندگان و محققین خود را خودش برمی گزینند. چون محیط بر محاط، احاطه دارد.

رشته ای بر گردنم افکنده دوست * می برد هر جا که خاطر خواه اوست

رشته بر گردن نه از بی مهری است * رشته ی عشق است و بر گردن نکوست^۷

۱-۳ وحدت میان تحقیق، بازسازی، بلایا

عملاً به دلیل اغتشاشات درونی و ضعف محقق در این تلاش بارها ممکن است حرکت به سوی حق دچار اختلال شود اما در نهایی ترین و مطلوب ترین حالت می توان به یکی بودن و وحدت تمامی آن ها دست یافت که هیچ گونه تفاوتی میان موضوع تحقیق و حق نتوان یافت و در مرتبه ای حتی کوچکترین انفکاک را شاید بتوان از نمونه های شرک خفی که تخطی از مسیر تحقیق است یافت.

۱-۴ روش تحقیق حکمی

قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: تخلقوا باخلاق الله ای تشبهوا به فی الاحاطه بالمعلومات و التجرد عن الجسمانیات و انتشار الفیوض و الخیرات و قد قالوا هذا القوم الفلسفه هی التشبه بالاله بقدر طاقه البشریه لتحصیل العاده البرهانیه. حکیم در حقیقت ایشان بوده اند به بعضی از متاخرین به مشائین که اکثر مردم آنها را حکیم خیال می کنند.^۸

صدرالمتالهین رحمه الله علیه در اسفار اربعه **فلسفه** یا **حکمت** را اینگونه تعریف می نماید: «الفلسفه هی التّشبهه بالآله بقدر طاقه البشریه»^۱

ارسطو در **تعریف فلسفه** می گوید: «**فلسفه** علم به احوال موجودات است، از آن حیث که وجود دارند.»^۱ اگر هر دو تعریف را بتوان دو مرتبه از یک چیز دانست می توان گفت که احوال موجودات را نمی توان به طریق علمی کسب کرد بلکه فلسفه زاینده ی علم است. و خودش علم نیست و نوعی تشبیه است و میتوان علم را نیز موجودی دانست که فلسفه می تواند احوال آن را دریابد. از سویی علم نمی تواند به حوزه ی فلسفه از بالا نظر بیندازد و آن را مورد تایید یا نقد قرار دهد بلکه عکس آن صادق می باشد.

فلسفه اساساً نوعی نگرش دینی و مذهبی است که از آموزه های تورات توسط بزرگانی چون سقراط بسط پیدا کرده است^{۱۱} و یکی از شروط این نوع معرفت را تزکیه دانسته اند البته به قدر توان هرکس و مطابق است با همان تعریف آخوند^{۱۲} از فلسفه که التّشبهه بالآله. چرا که تزکیه همان خلیفه شدن انسان است در زمین برای خدا *ابن جاعل فی الارض خلیفه*^{۱۳}. حال بطور کلی هدف از خلقت و به تبع آن هدف از هر امری حق تعالی می باشد. پس هدف از تحقیق همواره حق بوده اگر چه موضوعات گوناگون برای تحقیق باشد. پس در روش تحقیق حکمی، موضوعات گوناگون اما هدف واحد است و نتیجه بر هدف تعلق می گیرد نه بر موضوع.

پس هدف از روش حکمی، شناخت حق است با توجه به تعریف آن، تشبیه به او را نتیجه خواهد داد که هی التّشبهه بالآله. هدف از هر فعلی را می توان به این موسوم کرد. (چگونه؟) البته در دوره ی جدید (Modern) یعنی پس از دوره ی رنسانس در اروپا جنبه ی تزکیه از حوزه ی فلسفه برداشته شده و تنها به روشی عقلی اکتفا شده است که این همان قداست زدایی از فلسفه است و به تبع آن از علم نیز قداست زدایی شد.^{۱۴}

۱-۵ شاهد ۱: روایت سوال صحابی در جنگ^{۱۵}

در روایتی آمده است که در بحبوحه ی یکی از جنگ ها از علی بن ابیطالب علیه السلام یکی از صحابه و لشکریان ایشان در حین مبارزه از حضرت سوالی توحیدی می پرسند و دیگر صحابی به ایشان تاخته که این چه هنگامی است که این سوال را می پرسید اکنون که هنگام مبارزه و جهاد است. آمده است که ایشان علیه السلام صحابی دوم را نهی کرده و می فرمایند که خیر، سوال او بی موقع نیست چراکه ما هم اکنون برای همین توحید است که می جنگیم! از نکات قابل توجه در این روایت آنست که نگارنده همواره آن را بر سر منابری در مناقب امیرمومنان شنیده است اما یکی از بخش های کمتر آشکار این روایت به صحابی نخست بازمی گردد که چگونه در حین جنگ این سوال برای او پیدا شده است. آیا از قبل این سوال برای او مطرح بوده و نهایتاً در جنگ به خاطر آورده است. نظر دیگر که محتمل است، آنست که صحابی براساس آنچه که دربارہ ی تحقیق گفته شد **اهل تحقیق** بوده است و این سوال از دل کاری که در آن لحظه انجام می داده بیرون آمده است و خود را نمایان ساخته است و به دلیل توجه او به موضوع اصلی تحقیق به آن پرسش تشرّف یافته است آنهم در چنان شرایط سخت و بحرانی. به عبارت اخری او در حال جنگ نبوده است بلکه در حال شناخت حق و به تبع آن حرکت به سوی او بوده است. ممکن است در نظر برخی رسیدن به مقام افراد معصوم ناممکن باشد اما رسیدن به مقام اصحاب ایشان بی تردید امری دست یافتنی است و نکته ی دیگر آنکه هر